

## تعمق و تأمل در حضور خدا



### (( در تعمق و سجده در برابر خداوند باشیم ))

عیسی به شاگردانش گفت : شما جداگانه به محلی خلوت بیاید و انحنای استراحت نمایید ، زیرا کسان بیشمار می آمدند و می رفتند و آنان حتی وقت غذا خوردن هم نداشتند . ( انجیل مرقس ۶ : ۳۱ )

با دیدن یک درخت زیبا، به ستایش و تحسین شاخه‌ها و برگ‌هایش می‌پردازیم و در انتظار دیدن میوه‌هایش می‌باشیم . اما کمتر کسی به فکر ریشه‌هایش می‌افتد ، ریشه‌هایی که به درخت زندگی می‌بخشند ، برای ما هم چنین است . هر انسانی از راه خدمت و ایجاد روابط پرادرانه با سایرین ، می‌بایست از خویشتن مایه بگذارد تا در جهت ساختن یک زندگی بهتر کار کند . اما باید از جایی ریشه گرفت ، یا به عبارتی یک محرک قوی داشت . مثل داشتن یک رابطه عمیق با خدا ؛ رابطه‌ای مملو از شور و محبت که دلیل ایجاد روابط پرادرانه با سایرین و اجرای تعهدات اجتماعی باشد .

البته ، همانطور که نور و گرمایی که در برگ درختان نفوذ می‌کند ، باعث قویتر شدن ریشه می‌گردد ، به همان منوال نیز می‌توان از طریق داشتن روابط پرادرانه با سایرین ، به تحکیم رابطه خود با خدا رسید . زیرا محبت به خلق مترادف با محبت داشتن با خالق است . زندگی درونی فرد و زندگی بیرونی وی ، هر دو از یک ریشه غذا می‌گیرند .

آیه فوق از کلام خدا ، دعوتی است به عمیقتر ساختن زندگی درونیمان با خدا ، آن هم از طریق تأمل و سکوت در حضور وی ؛ چنانکه در انجیل آمده : عیسی هم بارها بخلوت رفته تا در حضور «پدر» نیروی تازه گیرد . زیرا بیماران بسیار ترد او می‌آمدند ، مردمی که نیاز به تعالیم او داشتند ، گناهکارانی که در آرزوی توبه بودند و فقیرانی که غنای عیسی را می‌طلبیدند . چون همه در جستجویش بودند ، عیسی به خلوت می‌رفت تا از حضور پدر تغذیه گردد و آن غذا را به طالبانش بدهد . در خلوت دعا و سکوت ، نیروی شفا ، درک متقابل ، یافتن مفهوم زندگی ، قدرتهایی هستند که از خدا به انسان منتقل می‌گردند .



و اما به خلوت رفتن و در سکوت نشستن هم آسان نیست. گاهی چنان در مشغله زندگی فرو می‌رویم که حتی قادر به ترک آنها در اندیشه خود نیز نمی‌باشیم. در ثانی، همه ما بلد نیستیم با خویشتن خویش تنها بمانیم و شاید هرگز آن را ندیده باشیم!

اغلب فکر می‌کنیم که در محاصره افکار متفاوت قرار گرفتیم، با خود تنها شدن است. این کاملاً اشتباه می‌باشد. کسی که با خود خلوت می‌کند، که با پی بردن به اشتباهات و گناهانش قادر است دیگران را بیشتر درک کند. چنین شخصی دائم در حال تحول است، زیرا نسبت به خود و اطرافیانش بی‌تفاوت نیست. سبک و سنگین می‌کند و وجدانش وابسته به خدایش است. معیارش ارزشهای ایمانیست و خودش را مرکز قرار نداده است. اما دوستان، پر خودداری از چنین شخصیتی مستلزم به خلوت نشستن با خداوند است.

عیسی می‌گوید: بیایید نزد من ای تمام زحمت‌کشان و گران‌پاران و من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و اقتاده دل می‌باشم و در نقوس خود آرامی خواهید یافت. زیرا یوغ من آسان و بار من سبک است (انجیل متی ۱۱: ۲۸-۳۰).

بدانید که خداوند همیشه در انتظار ما است، تا آرامش خودش را به ما بدهد. بهترین استراحت، بودن با عیسی و زیستن در فیض اوست. این کار سختی نیست شما هم می‌توانید امتحان کنید.

## (( راز زندگی ))

در افسانه‌ها آمده، روزی که خداوند جهان را آفرید، فرشتگان مقرب را به پارگاه خود فرا خواند و از آنها خواست برای پنهان کردن راز زندگی پیشنهاد دهند.

یکی از فرشتگان به پروردگار گفت: خداوند آن را زیر زمین مدفون کن.

فرشته دیگری گفت: آن را زیر دریاها قرار بده.

و سومی گفت: راز زندگی را در کوهها قرار بده.

ولی خداوند فرمود: اگر من بخواهم به گفته‌های شما عمل کنم، فقط تعداد کمی از پندگانه قادر خواهند بود آن را بیابند، در حالی که من می‌خواهم راز زندگی در دسترس همه پندگانه باشد!!!

در این هنگام یکی از فرشتگان گفت: فهمیدم کجا، ای خدای مهربان، راز زندگی را در قلب پندگانه قرار بده، زیرا هیچکس به این فکر نمی‌افتد که برای پیدا کردن آن باید به قلب و درون خودش نگاه کند.